پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل و نهم) دوشنبه ۵ حوت ۱۳۴۷ هـ - ۲۴ فبروری ۱۹۶۹ ع

مورِ باید په یاد ولرو

مورِ باید په یاد ولرو چه مبارزی اوس زمږ د وړاندی ډیر نږدی وظایف ډیښی دی. د دریوظایفو سرته رسول، د تورو ارتجاع ماتول او نشت کول دی چه دوباره یی سر پورته کړیدی.

مورِ باید په یاد ولرو چه له استبداد سره مبارزه په جلاجلا اومتفرقه توګه، مورِ ملی او اجتماعی آزادی بشونکو هدفونو ته نشی رسولای.

مورِ باید په یاد ولرو چه ستره شخړه ترمنځ ده. زمورِ مخ ته د دښمن کلا ټول قوت ولاړه ده اوله هغه ځایه زمورِ پرمخ باندی د دروغو تهمت او تفرقی له زهرو ډک غیشی راآوری او تر ټولو له جنایت نه ډک دسایس زمورِ پرضد جوړوی. ترڅو مورِ بهترین مبارزان له منځه یوسی او نهضت له ماتی سره مخامخ کاندی.

مورِ باید په یاد ولرو چه د استبداد دغه کلا او د دښمن د دسیسو دایره تسخیر کړو او له منځه یوسو.

مورِ باید په یاد ولرو چه هرکله د هیواد ټول وطنپال او ترمختلونکی مبارز مترقی قوتونو په یوه استوار کلک او با انضباط سیاسی سازمان کی چه په سازمانی، ایدیدلوژی، سیاسی او رهبری لحاظ ترلی او یووی، سره راټول شی او تل د افغانستان ژوندی، زړه وراو پاک لمنی عناصر هغه ته جلب کړی او د افغانستان خلکو دموکراتیک قوت مستحکم کاندی، په قطعی توګه په د افغانستان د خلکو پر ضد توطئی خنثی شی او د استبداد کلا به تسخیر شی. مورِ باید په یاد ولرو چه هغه وخت به دهیواد د ملییونونو کارګرو او بزګرو خلکو پیاوړی متی پورته شی او داستبداد جغ به چه په زور او دسیسه ساتل کیږی، نشت کاندی او په نتیجه کی به دفیودالی ارتجاع سلطه او د استعمار او امپریالیزم نفوذ له ټولنی نه محو شی او زمورِ د ګران وطن افغانستان د نوی او مترقی ټولنی د جوړولو لومړنی او جدی مانع به لری شی.

مخ په وړاندی د ضد استبداد، ضد ارتجاع او ضد امپریالیزم د زړوری جګړی تر پرچم لاندی.

بیرک کارمل

اعمال سیاه ضبط احوالات

افغانستان

یا «اداره مصئونیت ملی!»

با دیگر مقامات حاکمه افغانستان بعد از ماه‌ها تأمل به خرچ داد (!) و موش زائید. روزنامه‌های «اصلاح»، و انیس، و سایر نشرات حکومتی اعلان کردند که بعد ازین ریاست ضبط احوالات (سازمان جاسوسی و اطلاعاتی افغانستان) بنام اداره مصئونیت ملی (دملی ساتنی اداره) نامیده خواهد شد.

اعمال سیاه گذشته دستگاه ضبط احوالات اظهر من‌الشمس است.

علی قاعده وقتی‌که یک اقلیت ناچیز بر اکثریت عظیم ملت حکمروائی می‌کند و حاصل دسترنج خلق را تصاحب می‌نماید، تشکیلاتی به‌منظور سرکوبی اکثریت تأسیس می‌گردد در حکومت‌های استبدادی همیشه سازمان جاسوسی و استخباراتی و پولیس مخفی هسته مرکزی این تشکیلات است. در کشور ما دستگاه ضبط احوالات ازجمله چنین سازمان‌هایی است که تاکنون ذکر نام آن در میان خلق ترس و وحشت ایجاد می‌کند.

شاید روی همین واقعیت تلخ بود که شاغلی اعتمادی خواست با تغییر نام پرده روی جنایات آن بکشد.

هیأت حاکمه افغانستان طی چهار دهه اخیر پیوسته در پی آن بوده تا بسط جهنمی جاسوسی و مخبری ضد ملی و ضد خلقی را در افغانستان گسترش دهد از آن جمله دستگاه ضبط احوالات به‌مثابه نیرومندترین سازمان جاسوسی و اطلاعاتی در افغانستان تشکیل گردد. اما از آن هنگام تا امروز طی شش حکومت به همان پیمانه ای‌که در مصارف دولت به‌منظور رشد اقتصادی و خدمات اجتماعی، بخصوص در امور معارف و صحت عامه امسال به خرج داده‌شده، در صرف بودجه دولت برای امور جاسوسی و مخبری دستگاه ضبط احوالات و شبکه پولیس مخفی و استخبارات سخاوت به عمل آمده است.

وحشت و خودسری سازمان ضبط احوالات را بخصوص آن هزاران خانواده آزادی خواهان و زحمت کشان کشور به‌خوبی احساس می‌کنند که قربانی پنجه‌های بیرحم این دستگاه گردیده‌اند. سلول‌های محبس دهمزنگ پر از چنین خاطرات سهم ناک است. شگفت انگیز تر اینکه نه تنها صدها نفر آزادی خواه و وطن‌پرست محکوم سرپنجه اعمال خودسرانه مأموران ضبط احوالات و فراموش خانه‌های قرون وسطایی شده‌اند، بلکه حتی وکلا، تمام وزرا، تمام متنفذین و زمامداران کشور و به‌اصطلاح روشنفکران خدمت گذار هیأت حاکمه نیز با این دستگاه وحشتناک حساب می‌دادند و باید از آن دستگاه تائید می‌شدند و به‌اصطلاح کلیرنس «تصفیه» حاصل می‌کردند.

چندین حکومت پیهم افغانستان شبکه جاسوسی و خبر چینی و فتنه انگیزی وسیعی در کشور ایجاد نمود و دستگاه حاکمه را بیک نظام جاسوسی و مخبری مبدل گردانید. از سال‌هاست که دستگاه جاسوسی و پولیسی حاکمه افغانستان از یکسو به‌وسیله حبس و زجر آزاد مردان افغان و از سوی دیگر به‌وسیله تهدید تفتین، تطمیع، شانتاژ، فریب، نیرنگ و جعل و ترور، با نیروهای ملی و دموکراتیک، مترقی و وطن‌پرست افغانستان درنبرد مخفی و علنی است. تاکنون این ضرب‌المثل که **«دیوارها موش دارد و موش‌ها گوش»** زبان زد خلق محروم کشور ماست.

به تأسی از سنت قدیم دستگاه ضبط احوالات و دیگر سازمان‌های خاص

(ص ۲)

سلطان علی کشتمند

مساعدت به صادر کنندگان

قره قل یا تقویه تاجران بزرگ دلال

در هفته گذشته مطبوعات حکومتی به حیث یک خبر عمده و موضوع مهم اطلاع دادند که بر اساس فیصله حکومت «ماحصل دالر فروش پوست قره‌قل که به ملاحظه اسناد گمرکی سر از اول حمل ۱۳۴۸ صادر می‌شود. به اساس نرخ رسمی چهل‌وپنج فی دالر سنجش و با ایزاد مبلغ بیست افغانی فی دالر به‌طور مساعدت مجموعاً ۶۵- افغانی از قرار فی دالر محاسبه و به صادرکنندگان پرداخته می‌شود .» دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت پیرامون این موضوع تبلیغات وسیعی را به راه انداخته و تلاش کردند تا این تصمیم بدفرجام دیگر، موجه نشان دهند و بقبولانند که این امر گویا به حال مالداران کوچک و رونق صادرات قره قول سودمند واقع خواهد شد.

هرگاه ماهیت حکومت غیر از آنچه می‌بود که هست، باعث تعجب مردم می‌گردید که این چه تجویزی است که از یک‌طرف نرخ تسعیر قره قول و دیگر اقلام عمده صادراتی در اثر «هدایت» صندوق وجهی بین‌المللی در سال‌های اخیر از نرخ‌های پایین‌تر کنترولی به ۴۵ ـافغانی فی دالر امریکایی بالا برده می‌شود و از سوی دیگر به صادرکنندگان مساعدت هم می‌گردد. اما از آنجائی که عمل و نیت دستگاه حاکمه افغانستان در جهت تقویه مزید بورژوازی کمپرادور تجاری مشهد است، بنا بر آن تعجبی ندارد که دولت از جیب مردم مبالغ گزاف دیگری را نیز به تجار بزرگ صادرکننده قره‌قل به بخشد. تنها اگر همین بیست افغانی مساعدت اخیر را به تجار صادرکننده به‌طور مثال به میزان صادرات سال ۱۳۴۶ در نظر گیریم (زیرا ارقام برای سال ۱۳۴۷ تاکنون در دسترس نیست) درمی یابیم که ازین مدرک دولت بیشتر ۳۸۵ ملیون افغانی زیرا ۱۴۱۶۲۰۰۰ دالر به نرخ تسعیر ۴۵ ـافغانی فی دالر به نرخ تسعیر ۴۵-افغانی فی دالر بالغ بر ۵۴۱۷۴۵۰۰۰-افغانی فی دالر بر ۹۲۶۹۵۶۰۰۰ افغانی می‌گردد که تفاوت بین این دو رقم ۳۸۵۲۲۰۰۰۰- افغانی است) از عواید خود را به عده‌یی چند نفر تجار بزرگ سخاوتمندانه (!) می‌بخشد و آنگاه اسم آن را تشویق صادرات پوست قره‌قل و تقویه بنیه اقتصادی مالداران

(ص ۲)

صدراعظم افغانستان هم می‌گوید که:

مملکت مایک کشور انکشاف نیافته است

(از بیانیه بشاغلی نور احمد اعتمادی صدراعظم در یک اجتماع اهالی گرشک منتشره انیس ۵ جدی ۱۳۴۷)

صدراعظم: «چیز مهمی ای‌که از همه اول‌تر به آن احتیاج داریم علم معارف است تا در پرتو آن مشکلات خود را رفع و به اقتضای زمان خود را آماده سازیم.

... ما امروز با چندین دشمن غیرمرئی از قبیل فقر، جهل، بی‌سوادی و مرض مواجه هستیم که بای با تمام قوت و توانائی با آن مجادله کنیم و باوجود مشکلات امروزی زمینه را طوری فراهم نمایم که یک اطمینان بیشتر با آن پیش برویم»

پرچم: باید توجه کرد که تنها به خواست و آرزو و یا حسن نیت نمی‌توان علم و معارف را تعمیم داد، بلکه وسایل و امکانات تعمیم آن باید به وجود آید. به شهادت حقایق روشن و ارقام موجود می‌توان گفت که خلق افغانستان کمترین امکانات و وسایل را درین زمینه در اختیار دارند. تعداد بی‌شماری از فرزندان زحمتکشان کشور از کسب علم و معارف محرومند. چه‌بسا استعدادهای خلاق و نوباوگان جامعه که ناشگفته می‌پژمرد و چه‌بسا نیروهای جوان برومند که به هدر می‌رود.

پس در صورتی که طبق گفته بشاغلی صدراعظم از همه اول‌تر به علم و معارف احتیاج داریم تا «در پرتو آن بتوانیم مشکلات خود را رفع نماییم » اما اکثریت عظیم مردم ازین نعمت برخوردار نیستند، چطور می‌توان آرزو کرد که «اقتضای زمان» این است که افغانستان به‌سرعت راه رشد سریع اقتصادی و اجتماعی را در پیش گیرد، اما نفوذ ارتجاع در دستگاه دولت مانع این امر و تحقق آرزوها می‌گردد.

واقعاً اکثریت خلق‌های افغانستان با فقر، جهل، بی‌سوادی و مرض مواجه هستند، اما این‌ها دشمنان وحشتناک و مرئی و مشهود اند که مردم آن‌ها را با گوشت، پوست، اعصاب، شرایین، تاروپود و وجود و استخوان خود احساس می‌نمایند. اینکه بشاغلی اعتمادی اظهار می‌دارد با تمام قوت و توانائی با آن مجادله کنیم، سؤال می‌شود که تاکنون حکومت‌ها در افغانستان آیا به‌طور مثبت و مؤثر گامی درراه امحای این دشمنان مردم برداشته‌اند؟ تا چه رسد به اینکه با تمام قوت و توانائی با آن‌ها مجادله گردد! فقط کافی نیست فقر، جهل، بی‌سوادی و بیماری که چون اختپوت سرتاپای جامعه را پیچیده است و خود معلول است نه علت، به حیث دشمنان اعلان گردد و باز هم کافی نیست آرزو شود تا این دشمنان مغلوب گردند، باید نشان داد که چه گام‌های عملی و مؤثری درراه ریشه‌کن ساختن آن‌ها برداشته شده است؟

صدراعظم: «اگرچه وسایل ما محدود است با آن‌هم هدف و غایه اساسی ما اینست تا متوجه باشیم که چطور می‌توانیم پسمانی های خود را مرفوع سازیم...

... گرچه مملکت یک کشور انکشاف نیافته است ولی دارای منابع سرشار می‌باشد...

... شرایط و ایجابات زمان چیزهای نوی را اقتضاء دارد که ما باید با آن آماده باشیم.»

پرچم: وسایل و امکانات رفع پسمانی کشور محدود نیست. اگر نظری به احصائیه‌های دست داشته انداخته شود به وضاحت دیده می‌شود که تنها زمین‌های موجود افغانستان درصورتی‌که هیچ اراضی جدید هم تحت زراعت درآورده نشود، برای حدود دوچند نفوس فعلی کشور نان تهیه کرده می‌تواند. موضوع اساسی کمبود همه ساله غله در افغانستان این نیست که زمین کم است و نفوس زیاد. ولی آنچه ما نداریم عبارت از یک پلان اساسی جهت تنظیم و توزیع عادلانه حاصله می‌باشد. هرگاه پلانی برای اجرای اصلاحات اساسی ارضی طرح نگردد و نظام فرتوت و غیرعادلانه ارباب رعیتی از بین برده نشود، اصلاح وضع و فلاکت بار موجود مردم و رفع پسمانی کشور امکان پذیر نیست.

بشاغلی صدراعظم می‌گوید: افغانستان دارای منابع سرشار می‌باشد. ولی ما میگوییم: بکار بردن و استفاده ازین منابع سرشار جرأت سالم و ایثار می‌خواهد. هرگاه مانند سابق همه چیز در داخل چوکات تنگ منافع طبقاتی اقلیت محدود، ولی حاکم بر سرنوشت کشور مطالعه شود و حفظ منافع این اقلیت و توازن قوا اساس کار و معیار همه فضایل باشد، حرف زدن از طرقی و پیشرفت کشور (ولو با حسن

(ص ۳)

شرعی جوزجانی

حقوق مأموران پایان رتبه

پایمال می‌شود!

اصولنامه های استخدام مأمورین ملکی، مستخدمین و اجیران باید تعدیل گردد

زمانی که از دستگاه اداری افغانستان سخن بمیان می‌آید، خاصیت ضد دموکراتیک و ضد ملی بودن آن به وضاحت در نظر مجسم می‌گردد. تبعیض، تورم، ارتشا، بروکراسی و فساد چون امراض مزمن در پیکر آن افتاده و دستگاهی بیمار و بی‌کفایت از آن به وجود آورده است. قوانین و اصولنامه های ضد دموکراتیک که بدون در نظر داشتن حداقل شرایط زندگی کارمندان، حتی سال‌ها قبل ازین وضع گردیده و تا اکنون کوچکترین تعدیل معقول و درستی در کیفیت آن به عمل آورده نشده، چوکات تاریک و محدودی است که این دستگاه در داخل آن کار و فعالیت می‌نماید.

این چارچوب ضیق قوانین و مقررات و خشک و فرسوده، نه تنها به حیث وسیله شکنجه و آزار خلق زحمتکش کشور ما در اختیار دستگاه حاکمه قرار دارد، بلکه حتی از پاسخ دادن به اساسی‌ترین نیازمندی‌های خود مأموران رسمی و غیررسمی دولت نیز عاجز است.

ازآنجایی‌که مسایل مربوط به چگونگی وضع اداری مملکت و جریان معقول امور مؤسسات به همه مردم متعلق است ما وظیفه خویش میدانیم تا «اصولنامه استخدام، ترفیع و تقاعد مأمورین ملکی، و اصولنامه مستخدمین و اجیران» را مورد ارزیابی قرار داده، برخی نکات اساسی آن را که با امور مشخص استخدام ارتباط دارد بررسی کنیم و ضمناً مواد و عناصری را که برای تدوین یک قانون جامع و صحیح استخدام ضروری است یادآوری نمایم.

خصوصیت اصلی یک قانون صحیح، جامعیت و همه جانبه بودن آن است. قانون استخدام نیز باید عموم مأموران و کارمندان «اعم از دولتی و غیردولتی مربوط به مؤسسات خصوصی» را بدون استثنا، یکسان در نظر گیرد و بدون آنکه بین ادارات و وزارتخانه‌ها تفاوتی قایل گردد. مقررات استخدام، ترفیع و غیره را من‌حیث پرنسیپ و همه یکسان تطبیق نماید. از قانون استخدام موجود عده‌یی زیادی از مؤسسات نظیر د افغانستان بانک، انحصارات دولتی، شاروالی ها، تصدی‌های دولتی، تمام مؤسسات خصوصی و شرکت‌ها مستثنا گردیده‌اند. برای ایجاد یک دستگاه نسبتاً سالم در قدم اول باید اصول و

(ص ۳)

قربانی مرد

عید آمدوشادم که زخون دگرانیست — نوشا به ببزم من وپیمانه بدستم
شادم که نیم رهزن وسرمایه ندا رم، — نزد باده خون دگران بیخومستم
شادم که دلم محفل دزدان نه پسندد، — یک لحظه به پهلوی تونگرنه نشستم
پیمانه ز سا قی ستم گر نه ستانم، — جام دلک رنجبری را نشکستم
شادم که نیم بنده اوهام وخرافات، — جز شاهد زیبای حقیقت نپرستم
ای جامعه خسته، الاخلق ستمکش، — ای نیستی‌ات نیستی‌ام هست تو، هستم!

عید حاصل سربازی وقربانی مرد است،
قربان شدن آموز که تبر یک فر ستم:

بارق شفیعی

از (ص اول)

مساعدت به صادرکنندگان ...

می‌گذارد؛
برای جبران کسری که ازین ناحیه در عواید دولت رونما می‌گردد مسلماً یا بازهم میزان مالیات غیرمستقیم افزایش می‌یابد، یا استقراض صورت می‌گیرد، یا بودجه بخصوص بودجه معارف، صحیه و امور دیگر خدمات اجتماعی کاهش می‌پذیرد و یا طریق غیر دموکراتیک دیگری در پیش گرفته می‌شود که به هر صورت زیان آن را طبقات محروم جامعه متحمل خواهند شد.

به غرض وضاحت بیشتر موضوع باید تصریح کرد که هدف ازین اقدام اخیر حکومت و یا نتیجه آن تشویق و تقویه تجار بزرگ کمپرادور می‌باشد. به تشویق تربیه گوسفند قرهقل. و هرگاه چنین پنداشته شده باشد به خطاست، چه عمده عواید ازین ناحیه به حیث تاجران بزرگ آزمند و احیاناً مالداران بزرگ متنفذ می‌ریزد و تربیه کنندگان زحمتکش واقعی گوسفند قرهقل بهره و نصیبی به‌جز رنج و مشقت بیشتر نخواهند داشت.

باید گفت که عمده‌ترین اقلام صادراتی کشور را پوست قرهقل، گاز و میوه تازه و خشک و غیره تشکیل می‌دهد و پوست قرهقل درین میان مقام برجسته‌یی دارد که باید تولید و صادرات آن تشویق گردد؛ اما راه تشویق آن طوری نیست که حکومت می‌پندارد. فرض می‌کنیم در اثر پالسی اخیر درین زمینه مالداران قیمت‌های بلندتری در برابر پوست قرهقل بدست آورده تشویق گرند. نتیجه آن در وهله اول سربریدن تعداد بیشتر بره‌ها خواهد بود که تأثیر معکوسی را در تولید نسل‌های آینده آن بجا خواهد گذاشت. برای تشویق تولید وسیع و مداوم قرهقل متأسفانه شرایط لازم از قبیل علفچرهای سرسبز علوفه، پناهگاه‌های صحی و کافی، و تقویه نسل و غیره وجود ندارد. گوسفندان همیشه در معرض خطر انواع گوناگون بیماری‌های حیوانی، بارندگی، سیلاب، سرما، گرما حیوانات درنده و غیره قرار دارد. چوپانان ازآنجایی که به‌طور وحشیانه‌یی از طرف مالداران بزرگ استثمار می‌گردند، به تربیت صحیح و نگه‌داشتن گوسفندان نمی‌توانند بیش از یک حد معین علاقه بگیرند.

هرگاه حکومت واقعاً در نظر می‌داشت که تولید مداوم و وسیع پوست قرهقل را تشویق و تضمین کند، ساده‌ترین راه در شرایط کنونی بکار بردن همین مبلغ اضافی (در حدود ۴۰۰ ملیون افغانی) درراه حمایه نسل، اصلاح و بهبود چراگاه‌های خشک و بی علف و غیره بود، نه سرازیر ساختن آن به جیب معدودی از تاجران کمپرادور. صدرات قرهقل را با جلوگیری از قاچاق وسیع آن. پیدا کردن بازارهای جدید، اتخاذ پالیسی صحیح تجارتی و غیره بهبود و انکشاف می‌توان بخشید. نه از طریق مساعدت به تاجران دلال، در سال‌های اخیر ازیکطرف خروج پوست قرهقل به‌طور قاچاق به غرض بدست آوردن تمام عواید دالری آن، از طرف تاجران بزرگ افزایش یافته و از سوی دیگر قیمت‌های قرهقل در بازارهای غربی پیهم نزول کرده است. به‌منظور اثبات این حقیقت ارقام مربوط به عواید فروش و تعداد پوست صادرشده را بالترتیب برای سال‌های ۴۴، ۴۵ و ۴۶ با استفاده از احصاییه های رسمی حکومت ارایه می‌نمایم:

۱۶۰۸۴/۱ هزار دالر در برابر ۱۵۰۴/۵ هزار جلد پوست، ۱۱۷۶۱/۶ هزار دالر در مقابل ۱۳۷۹/۲ هزار جلد و بالاخره ۱۴۲۶۱هزار دالر در برابر ۱۹۰۳ هزار جلد پوست قرهقل که ازین قرار قیمت فی جلد به‌صورت متوسط از ۱۰/۶ دالر در سال ۱۳۴۴ به ۸/۵ دالر در سال ۱۳۴۵ و بالاخره به ۷/۵ دالر در سال ۱۳۴۶ پایین آمده است.

پس معلوم است که در فیصله اخیر حکومت درزمینهٔ صدور قرهقل مطیع نظر به‌طور شعوری و یا احیاناً غیر شعوری، تقویت بیشتر تجار کمپرادور بوده است. نه چیزی دیگری و به همین جهت و ده‌ها عمل و حرکت ضد خلقی دیگر و ضد ایجاد اقتصاد ملی است که روز بروز بورژوازی نوظهور افغانستان خصوصیت فاسد شونده و کمپرادوری را به خود می‌گیرد. درحالی‌که در کشور ما زمینه‌های وسیع‌تری برای تجارت بی‌بندوبار و بدون کنترول فراهم می‌گردد و پروسه کمپرادوریزه شدن بورژوازی به‌مثابه قشری ارتجاعی و هوادار امپریالیزم که در دستگاه دولت از نفوذ عمیقی برخوردارند در جریان است. در بسا از کشورهای کم رشد آسیائی و افریقایی به‌منظور رشد وسیع و همه جانبه اقتصادی و اجتماعی سیاست اقتصادی سالم در پیش گرفته شده، تجارت خارجی تحت کنترول همه جانبه تر ملی در می‌آید و بخصوص اقلام عمده صادراتی و وارداتی ملی می‌گردد. در افغانستان هر وقتی می‌توان از تأمین تجارت سالم طبق منافع توده‌های مردم مطمئن گردید که قدرت حکومتی بدست خلق متمرکز گردد و منجمله درزمینهٔ تجارت خارجی پالیسی‌های مثبتی بر منافع خلق به شمول ملی کردن آن اتخاذ شود.

از (ص اول)

حقوق مأموران پایان رتبه ...

مقررات ناظر، بر تمام این مؤسسات وادارات، در داخل یک قانون جامع و صحیح هماهنگ ساخته شود.

مهمترین موارد ضد دموکراتیک که می‌توان آن‌ها را از مظاهر روشن غیرقابل تردید اتلاف حقوق کارمندان (مطلوب بیشتر کارمندان پاک نفس و پایین رتبه است) دانست به ترتیب ذیل یادداشت می‌گردد:

۱- اخراج:

«اصولنامه استخدام، ترفیع و تقاعد مأمورین ملکی» و «اصولنامه مستخدمین و اجیران» با قیود و مقررات ضد دموکراتیک خویش طوری غیرعادلانه تدوین گردیده که هیچ یک از مأموران، و اجیران نمی‌توانند در تحت تأثیر آن احساس اطمینان و مصئونیت در وظیفه نمایند. خطر اخراج به بهانه‌های لغو اداره، از تشکیل و یا اختصار اداره «تنقیض بودجه، مریضی بیش از دو ماه، غیر حاضری مسلسل ده روزه و یا متفرق بیش از یک ماه در یک سال، ظهور عدم لیاقت در ماه اول بعد از قرارداد، ترک وظیفه، عدم ضرورت به اجیر، مصاب شدن به مریضی مسلسل در مورد اجیران (مواد ۱۰/۱۵/۲۰/۲۹/۳۲/ اصولنامه مستخدمین و اجیران) سوق دادن به تقاعد اجباری و یا استعفای اجباری در مورد مأمورین ملکی (مواد ۱۷/۱۸/۳۲۲/۲۴/۴۲ اصولنامه استخدام مأمورین) همیشه مأموران، مستخدمان و اجیران پایین رتبه بی‌واسطه و بدون ارتباط به مقامات عالیه را تهدید می‌کند.

چه‌بسا مأموران، اجیران و مستخدمانی که با استفاده از محتویات غیر دموکراتیک مواد مذکور به مأموریت شان خاتمه داده‌شده و بدون کوچکترین مصونیتی در صنف بیکاران پیوسته‌اند. گروه بزرگ اضافه بست شدگان که همه ساله از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی بیرون رانده می‌شوند، همین اکنون وضع رقتباری دارند و چون نمی‌توانند کاری مطمئن برای تأمین زندگی خویش بدست آورند، ناگزیر به سیل بیکاران می‌پیوندند. اخراج یک تعداد زیاد عناصر مترقی و وطن‌پرست به بهانه‌های اضافه بست، اضافه تشکیل و غیره لکه سیاه ننگینی است بر جبین دستگاه حاکمه افغانستان.

مأمورینی که در اثر الغای مأموریت اضافه بست شدن و غیره بست خود را از دست می‌دهند، مجبورند تاشش ماه در انتظار وظیفه دیگری در یکی از ادارات دولتی بسر برند و هرگاه کاری برایشان دستیاب نشد، به خدمت شان خاتمه داده می‌شود (به تقاعد اجباری سوق داده می‌شوند).

مقررات مربوط به اخراج «زیر عناوین گوناگون» بدون تعهد و بدون آنکه محل کار دیگری برای اخراج شدگان تأمین گردد، از ظالمانه‌ترین مواد این اصولنامه می‌باشد که گردانندگان دستگاه اداری مملکت با وسیله قرار دادن آن حقوق مسلم قانونی کارمندان را پایمال می‌کنند و مطالبات غیر دموکراتیک خود را بر آنان تحمیل می‌نمایند. حذف و تعدیل ای اصل‌ها و سایر اصل‌های ضد دموکراتیک این دو اصولنامه و سایر اصولنامه های مورد تطبیق از مبرم‌ترین خواست‌های مأموران، مستخدمان و اجیران دولتی و غیردولتی است که باید در راه تحقق آن به مبازات پیگیر و دامنه داری گذشت.

۲- معیار درجه بندی و ترفیع:

باید یک قانون استخدام درست و معقول متضمن معیارها و ملاک‌های واقع‌بینانه‌یی باشد تا بر اساس آن رتبه‌ها و درجات مأموران، مستخدمان و اجیران تعین گردد و ترفیع و ترقی آنان از یک رتبه به رتبه دیگر، از یک بست به بست دیگر بنحوی منطقی و قناعت بخش صورت گیرد.

اصولنامه استخدام مأمورین ملکی تمام مأموران را به (۱۳) رتبه تقسیم نموده و درجه تحصیل مأمور یگانه معیار تعین کننده رتبه شناخته شده است (اشخاصی که تحصیلات خصوصی داشته باشند بر اساس اصل (۵) فقط به رتبه‌های ۱۳-۱۲-۱۱ پذیرفته شده میتوانند)

اصولنامه مستخدمین و اجیران این دو صنف را به (۲۱) درجه تقسیم کرده، اما کدام ملاک روشن و صریح برای تسبیت درجه آنان تعین نکرده است. منظوری اجیران بر طبق اصولنامه مذکور از صلاحیت آمرین اعطای دوایر و موئسسات می‌باشد.

البته جای تردید نیست که درجه معلومات علمی و اسناد تحصیلی می‌تواند به حیث یکی از ملاک‌های تعین کننده رتبه‌های مأمورین و ترفیع و ترقی‌شان باشد؛ اما هیچ گاه نمی‌توان آن را به حیث یگانه ملاک و معیار منحصر به فرد شناخت.

نظر به اصل (۱۰) اصولنامه مأمورین ملکی یکی از شرایط ترفیع مأمور گرفتن سجل خوب و گنجایش بست یکی از قیود ضد دموکراتیک و عاری از منطق است که استحقاق مأموران را پایمال می‌نماید. هرگاه حکم ماده (۵۰) اصولنامه مذکور را که طبق آن مأموری که مدت ده سال دریک رتبه باقی می‌ماند به تقاعد (اجباری) سوق داده می‌شود. در نظر بگیریم و دشواری گرفتن سجل قابل قبول را نیز بر آن بیفزایم، ظالمانه بودن این قید به وضاحت تمام نمایان می‌گردد. صلاحیت خانه پری کردن اوراق سجل فقط بر عهده آمران درجه اول است. ضرورت حکم می‌نماید که مبارزان که بتواند جلو خودسری‌ها، واسط بازی‌ها و تمایلات شخصی و سیاسی آمران را بگیرد وجود ندارد.

(باقی دارد)

از (ص اول)

اعمال سیاه ضبط احوالات ...

مخبری و جاسوسی...، خبر چینان دستگاه حاکمه پیوسته همه حاضر اند، هم اکنون مکاتبات محرمانه مصئونیت ندارد مکاتبات ثبت می‌گردد، سانسور مطبوعات، کنترول افکار و تفتش عقاید و احساسات جریان دارد. دستگاه‌های ضبط صوت مخصوص جاسوسان در اینجا و آنجا مشغول فعالیت است، در صنوف درسی شاگردان و محصلان در کارخانه‌ها و پروژه‌های ساختمانی و صنعتی در ادارات، در تظاهرات و اعتصابات، در کارخانه‌ها و هوتل‌ها، در سرویس‌ها، در بازار ...و غیره مأموران و جواسیس مخفی دستگاه حاکمه مشغول فتنه گری، دوسیه سازی و جعل کاری‌اند. سازمان جاسوسی افغانستان که دیروز تنها به‌وسیله جاسوسان پنجاه و صد افغانیگی گزارش مجعول می‌گرفت اما در جریان ده سال اخیر مجهز با عصری‌ترین وسایل و پرسونل پولیس مخفی و جاسوسی گردیده است.

دستگاه جاسوسی و پولیسی افغانستان بخصوص در چند سال اخیر بیشتر ازین جهت قابل تشویش جدی است که سازمان جاسوسی و پولیسی آلمان غربی در آن نفوذ روز افزون کسب می‌کند و یا به عبارت ساده دستگاه جاسوسی و پولیسی افغانستان با آلمان غرب «توأمیت» دارد.

به همگان معلوم است که تمام وسایل و تجهیزات تخنیکی دستگاه جاسوسی و پولیسی افغانستان از آلمان غرب وارد می‌گردد و معلمان و مستشاران آلمانی در شبکه‌های جاسوسی و پولیسی کشور ما »تدریس و مشوره «مشغول بوده و پلیس‌های مخفی افغانستان رابه آلمان غرب برای تحصیل اعزام می‌دارند.

فعالیت‌های تخریبی سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی:

قراری که بعضی از جراید آلمانی می‌نویسند: اکنون آلمان غرب به حیث پایگاه جاسوسی جهان غرب به مقابل دولت‌های ملی و مترقی و سوسیالیستی مرکز فعالیت بسیاری از سازمان‌های جاسوسی کشورهای خارجی از قبیل سازمان مرکزی جاسوسی کوریای جنوبی، یونان، سازمان امنیت و اطلاعات کشور ایران (ساواک) و سرویس اطلاعاتی اسپانیا و غیره می‌باشد که مستقیماً با سازمان‌های مخفی و جاسوسی کشورهای «دوست» غربی به خاطر مبارزه علیه افکار و سازمان‌های مترقی همکاری می‌کنند.

باید خاطر نشان ساخت که سازمان پولیسی آلمان غربی خلف همان سازمان پولیس مخفی و وحشتناک هیتلری (گشتاپو) است که اکنون بار دیگر روز به روز ماهیت فاشیستی و ارتجاعی خود را تمام عیار بروز می‌دهد ودر یک جبهه نامقدس در ارتباط با سایر سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی اعم از سازمان امریکا (سیا) و انتلجنت سرویس انگلستان، رکن دوم کشور فرانسه علیه نیروهای مترقی و وطن‌پرست و جنبش‌های آزادی بخش ملی ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم در کشورهای آسیائی، افریقایی و امریکای لاتین مبارزه می‌کند.

همچنین سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی با ارتباط همکاری و نفوذ در محافل حاکمه ارتجاعی و سازمان‌های پولیسی و جاسوسی کشورهای کم رشد، زیر نام‌های سازمان امنیت، مصوونیت و غیره کودتاهای نظامی ضد ملی و ضد دموکراتیک را درین کشورها به وجود می‌آورند و نیروهای وطن‌پرست و ترقی خواه را سرکوب می‌نمایند. کودتاهای ضد ملی و ضد مترقی در ایران کانگو، کینشاسا، عراق، گانا، مالی، اندونیزیا، یونان، برازیل، دومکنیکا، پانامه، توطیه‌های ضد کیوبا، تجاوز اسرائیل و غیره همه و همه به همکاری و فعالیت مخرب سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی، به ضرر نهضت‌های نجات بخش ملی صورت گرفته است.

به‌طورکلی وظایف پلید سیاه سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و کشورهای ارتجاعی و وابسته به استعمار و امپریالیزم به‌قرار ذیل است:

- توطئه و فعالیت تخریبی علیه دولت‌های مترقی و ملی و ایجاد کودتاهای نظامی ضد ملی و ضد دموکراتیک.
- مداخله تجاوز و تولید اغتشاشات بر ضد حکومت‌های مترقی و انقلابی و ایجاد بحران‌های اقتصادی و سیاسی به غرض بدنام کردن این حکومت‌ها؛
- _ تقویه نیروهای ارتجاعی در عرصه بین‌المللی از طریق مداخله در انتخابات، در تشکل احزاب و در ارتقای عناصر هوا خواه امپریالیزم در دستگاه دولت و طرد عناصر وطن‌پرست و ترقی خواه از آن و نفوذ در مؤسسات مهم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛
- تخریب روابط فرهنگی، سیاسی اقتصادی کشورهای مستقل ملی با کشورهای ملی مترقی و سوسیالیستی؛
- _ ایجاد تفرقه‌های ملی قومی، نژادی، قبیلوی و غیره؛
- _ کمک به سازمان‌های به‌اصطلاح امنیت و مصئونیت ملی، در کشورهای وابسته به امپریالیزم در مبارزه علیه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و مترقی در زیر نام انتی کمونیزم و جلوگیری از خطر کمونیزم، و صدور ضدانقلاب.
- تشدید تفرقه، انشعاب، تفتین و نفوذ دادن اجنت پروکاتورها در میان نیروهای ملی و مترقی و مبارزه علیه سازمان‌های اصیل مترقی و انقلابی و ایدیولوژی و سیاست آن‌ها و دفاع از سیاست‌های ارتجاعی ح-تی، زیر نقاب انقلابی گری چپ روی و چپ نمائی و شعارهای ماورای انقلابی.
- _ کار تبلیغاتی به‌منظور جلوگیری هرچه بیشتر از رسوخ افکار مترقی، بخصوص میان جوانان و محصلان.
- _ دوسیه بازی، دسیسه، تعقیب و ترور آزادی خواهان و رهبران ملی و مترقی؛
- _ پخش اتهامات دروغ به غرض بدنام ساختن سازمان‌ها و رهبران مترقی و انقلابی؛

و ده‌ها عمل سیاه دیگر و جنایات ضد انسانی و ضد منافع ملی و خلقی.

تغیر نام نمی‌تواند بروی سیه کاری‌ها پرده افگند:

ما معتقدیم که تا نفوذ دستگاه پولیس امپریالیزم آلمان غربی و دیگر سازمان‌های مخفی امپریالیستی از کشور ریشه کن نشود و تمام دوسیه های جعلی ضد نیروهای ملی و مترقی کشور طعمه حریق نگردد و به تعقیبات و فتنه انگیزی و توطئه علیه نیروهای ملی و مترقی کشور خاتمه داده نشود و به‌اصطلاح اداره مصئونیت ملی هدف خود را تعقیب وطن‌پرستانه عمال اجنبی، خائنین به وطن، خلق، استقلال ملی و دموکراسی ستم گران داخلی، اجنت‌های امپریالیستی، رشوه‌ستانان و عمال فاسد دولت و اشخاصی که به کشور و آزادی خیانت کرده و نسبت به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک افراد احجاف و تعدی نموده‌اند، قرار ندهد و به مفهوم واقعی «ملی» مبارزه خود را به‌صورت آشکار و مخفی علیه ارتجاع داخلی و امپریالیزم تعقیب نکند، به هیچ صورت نمی‌توان با تغیر نام ماهیت واقعی و نفرت انگیز دستگاه‌های ضبط احوالات و استخباراتی افغانستان را تغیر داد. هر نامی که بالای آن بگذارند سازمان موجود جاسوسی و استخباراتی کشور در جنب اداره مصئونیت ارتجاع است، نه اداره مصئونیت ملی. باید یادآور شد که خلق افغانستان همیشه از جبهه امپریالیزم و ارتجاع داخلی و وجود دوره‌های طولانی استبداد و نفوذ ارتجاع و استعمار همه ناشی از مداخله استعمار و امپریالیزم در وجود سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی انتلجنت سرویس انگلستان، سازمان جاسوسی فاشیستی آلمان غربی، سازمان جاسوسی سیای (امریکا) بوده است.

تا وقتی که اعمال خودسرانه و خلاف قانون و ضد منافع ملی باقی است مصئونیت ملی وجود خارجی ندارد. تنها یک دولت ملی و مترقی ضد ارتجاع و امپریالیزم می‌تواند یک اداره مصونیت ملی، را ایجاد کند و افغانستان را از شر مداخلات و دسایس دشمنان آزادی و استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی مصئون نگه دارد و طبق منافع ملی و مترقی خلق کشور ما فعالیت کند.

وجود شبکه‌های جاسوسی نمی‌تواند مانع مبارزه گردد:

بهر حال با توجه جدی به این واقعیت که دستگاه حاکمه کنونی افغانستان به شبکه‌های وسیع پولیسی و جاسوسی مجهز است ضرورت حکم می‌نماید که مبارزان جنبش رهائی‌بخش ملی و مترقی ما از غفلتی، سهل انگاری، خوش‌باوری و بی‌احتیاطی جدا احتراز کنند.

ولی باید در نظر داشت که دستگاه پولیسی و جاسوسی در هر کشور علی لرغم قدرت خود در برابر خلق زبون و ناتوان است؛ زیرا چنین دستگاه هیچ‌گاه نمی‌تواند اعتماد و کمک مردم را جلب کنند. به همین جهت اگر کم بها دادن به نیروهای تخریب کار و پولیس داخلی و امپریالیستی اشتباه آمیز و خطرناک است. کم بها دادن به نیروی آن نیز اشتباه آمیز تر و خطرناک است و موجب بی‌اعتمادی و بدگمانی و ترس از اقدام و عمل مبارزه ضد ارتجاع و امپریالیزم می‌گردد. باید یادآور شد که هنگام جنگ عمومی دوم جهانی حتی فاشیست‌ها و گشتابو (پولیس مخفی) هیتلری آلمان هم هیچ‌گاه موفق نشدند که با ترور و کشتار مبارزه مردم اروپا را محقق سازند و از شکست حتمی فاشیزم جلو گیری کنند.

هرقدر دستگاه‌های جاسوسی و پولیسی پرقدرت‌تر و فریب کارتر باشند بازهم این دستگاه‌ها در برابر قدرت متحد نیروهای مبارز و جبهه متحد خلق موشی‌ست در برابر شیر، قطره ایست در برابر اقیانوس. تاریخ مبارزات آزادی بخش ملی و اجتماعی ملل مبین این حقیقت است که هیچ دستگاه پولیسی و جاسوسی نتوانسته است در مقابل جنبش انقلابی و رهائی‌بخش ملی و زحمت کشان تا اخیر مقاومت کند و صاحبان محکوم به زوال خود را از سقوط حتمی نجات دهد.

د یوه شرموونکی فریب

رسوا کول

بناغلی جغتوال، تر پورتنی عنوان لاندی موږ ته یو لیک راستولی او په هغه کی یی لاندینی مقدمه او مضمون د یوه فریب د رسوا کیدو په هکله د خپریدو په غرض رالږلی دی:

ځو ورځی د موخه په «پرچم» کی د ورد گو د جعتو د ځوتنو بزگرانو یو لیک خپور شو چه ویل یی «د وردکو بزگرانو لوټ کیږی.»

پدی لیک کی هغی (بزگرانو) له حکومت نه یوشتنه کړی وه چه که د ځمکو ویشل حقیقت لری نو حکومت ولی پخپله زموږ غریبا نو سره نوازش (!) نه کوی چه اول مو پخپلو فیوډالانو خوری او بیا داسی وخت مځکه راکوی چه موږ سره د وراتلو هیڅ وسیله پاتی نوی؟

او که داخبره درواغ وی (لکه درواغ وه) نو آیا حکومت ولی ددی خونخورو منگولی زموږ غریبانو نه گریوانونو ځخه نه بیلوی؟

«پرچم» د لیک په پای کی یوه ډیره مدلله او د حقیقت ډکه تبصره هم وربانده کړی وه چه که په حقیقی توگه تحقیق وشی یقیناً د ځو تنو تشی په نامه لویانو د یوی ډیری فجیع او شرم آوری فریبکاری ته به هم پرده اوچته وی.

بناغلی جغتیوال له پورتنی مقدمی نه وروسته داسی لیکلی دی:

«ستاسو دی خبرونی د ورد گو په والی باندی دومره اغیزه وکړه چه په ساپی د سید آباد د ولسوال او یوه هیأت سره د ورد گو جغتونه راغلل او په دغه دردناکه موضوع کی پوختنی وکړی او نتیجه یی لامیدان ته نده راغلی.

خلکو خو ځینو په ځواب کی دا عذر وراندی کړ چه موږ اوس تأسی ته ریشتیا وایو تأسی چه ستانه شی، حاجی صاحب به موږ تالا والا کړی. ځکه چه یو بخپله خان او زورواوری او بل یی هغه ځوک تر شا ولاړ دی چه په تیرو انتخاباتو که، د هورسره منډی او تررې گړی دی او هغوی اوس د حکومتی اقتدار او برم په ډیرو وړو یو کی ناست دی.

مگر دیرو نورو بزگرانو هیأت ته ویلی او پدی موضوع یی اعتراف کړی چه حاجی صاحب هم لستوته جوړکړی او هم یی د هر نوم په مقابل کی پیسی اخستی دی.

... په هرحال موږ په کلکه داتمه کو چه په د موضوع کی د حکومت د هیات نتیجه ژر حقیقت ته ورسیږی او د فریبکرو او دسیسه کارانو له خپرو ځخه (هرځوک چه وی) د فریب پرده ولوږی او درویواوتر بندو خوش کاوه بزگرانو پیسی بیرته ورکول شی.

باید مجرمان (هر ځوک د هر پوزیشن خاوندان چه وی) د عدالت میدان ته راکش کاوه شی او داسی بازخواست تری وشی چه بیا هیڅ مقتدر او فیودال د غریب خلکو گریوان ته لاس ورنه چوی او وینوته یی زړه ښه نکری. او دا ځکه چه دا دریم ځل دی چه په داسی دسیسو او فریبونو د رویو او بدمرغو بزگرانو ته په مورد کی پیسی راتو لیږی دا پیسی داسی پیسی دی چه په دغه بزگران یی په سود اوسلم راپیدا کوی او د ځمکی په هیله یی د محلی نهنگانو ستونی ته وراچوی.

زه پرچم ته د زړه له کومی کور ودانی وایم چه دهغه پخوانی خپرونی ډیر تیک اثر شندلی ده او هیله کوم چه زما دغه لیک هم پخپلو پاڼو کی نشر کړی. گوندی وی چه زموږ او د هغه د دغه نیک او شریک جهاد په نتیجه کی د خوارانو گریوانونو د ظالمانو او فریب کارانو د شر او فساد چخه خلاص شی.»

توده‌های محکوم مردم ما

از ریشه‌های علف تغذیه می‌کنند

مرتجعین سرتاسر کشور در دستگاه حاکمه افغانستان با استفاده از سطح پائین شعور سیاسی و اجتماعی مردم شب و روز به تبلیغات زهرآگین و تخدیر کننده مشغول‌اند تا از رشد طبقاتی ایشان جلوگیری و آنان را ازلحاظ درک و مبارزه خلع سلاح نمایند. بر آن‌ها بقبولانند که گویا به خاطر خدمت برای اقلیت صاحب امتیاز جامعه، خلق گردیده‌اند! یعنی هرگاه این آقایان و مفت خواران وجود نمی‌داشتند روی حساب این ستمگران اصلاً وجود طبقات زحمت کش و عامه مردم بی لزوم بود. چه در آن صورت نظم جامعه بر هم میخ. رد و هیچ کس حاضر بکار نمی‌شد. بنا بر آن افراطوتفریط ازلحاظ اقتصادی در جامعه یک امر کاملاً طبیعی، مطابق مصالح مردم و نظم عمومی است.

درحالی‌که چنین نیست، بلکه نظم جامعه و مصالح عالیه خلق را طفلیان و مفت خواران برهم زده‌اند و آن نظم تنها از راه تأمین حقوق زحمتکشان تلافی شده می‌تواند و بس.

اینکه غذای اکثر مردم ما را در شهرها و روستاهای کشور اکثراً نان خشک و چای تلخ، جواری، باجره، جو، باقلی، مشنگ، گدوله و ارزان تشکیل می‌دهد، این که در کشور »زراعتی «ما اکثریت‌هایی مناطق شرقی، جنوبی، جنوب و شرقی و غیره وطن ما جواری را تلخ می‌سازند تا کمتر صرف شود و عده‌یی هم از توت و تلخان تغذیه می‌کنند و بعضی از دانه‌های درختان وحشی غذای خود را بدست می‌آورند؛ این که صدها هزار انسان در بدخشان و نورستان و هزاره جات علف‌های هرزه و بیخ‌های نباتات کوهی را بجای نان می‌خورند کاملاً طبیعی وانمود می‌گردد.

این که گرمای جان‌سوز تابستان و سرمای کشنده زمستان، تن‌های برهنه مرده را اذیت می‌کند و این که فرزندان و جگر گوشه‌های خلق زحمتکش کشور چون کرم‌ها در میان کثافات و خاک می‌لولند و در برابر دیدگان پدران و مادران رنج‌کشیده از فرط گرما و سرما، گرسنگی و بیماری جان می‌سپارند، از طرف طبقت حاکمه ارتجاعی کشور و ارگان‌های آن کوشش می‌شود تا امری کاملاً عادی تلقی گردد.

اکنون که می‌دانند توده‌های مردم بیدار می‌گردند و روز بروز دشمنان طبقاتی خود را تشخیص می‌دهند. طبقات حاکمه ارتجاعی و نمایندگان گوش به‌فرمان آنان دست و پاچه شده جهت حفظ منافع خویش با اعمال ناجایز تبلیغات تخدیر کننده اتهامات، تکفیر کردن‌ها و دسایس وسیع پرداخته‌اند و قدم به قدم بر شدت عمل خود در جهت یورش بر قدرت‌های دموکراتیک و نمایندگان اصیل مردم افغانستان می‌افزایند.

اما مردم برای همیشه به لالایی افسون آمیز دژخیمان گوش نخواهند داد و کاخ استبداد جاودانی نخواهد ماند.

توده‌های زحمتکشان، توده‌های عظیم انسانی، سیلاب تسخیر ناپذیر است و سرانجام راه خود را به‌سوی وادی نجات می‌گشاید.

قلیچ

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

سیاست اختناق و خود سری

معارف ولایت بلخ را تهدید می‌کند

بناغلی محمد اکبر «اخلاقی» از ولایت بلخ می‌نویسد:

- «اکثر معلمین و معلمات وطن محبوب ما افغانستان با وصف اینکه پربهاترین و مقدس‌ترین وظیفه را در شرایط دشوار انجام می‌دهند، تحت فشارهای گوناگون سیاسی قرار گرفته‌اند.

معارف ولایت بلخ از موارد مثال این فشارها و حتی دسایس و توطیه هاست. اداره کنندگان و معلمانی که در معارف این ولایت مصرف خدمت‌اند و عشقی با وطن و طبقات ستمکش دارند، پیوسته آماج گاه جفا و دسایس یک عده‌ای دیگری قرار می‌گیرند که در شرایط فعلی صاحب قدرت‌اند.

گویا وطن پرستی و خلق دوستی به‌صورت مفهوم شده در معارف این ولایت جرمی است که هرگز بخشوده نمی‌شود.

شاگردان پیش آهنگ و رشید را بداشتن عقاید و افکار این و آن متهم می‌سازند و زمینه سرکوب آنان را فراهم می‌آورند.

جلوداران معارف این ولایت بجای آنکه حساب شان را به مردم بدهند، بالعکس این حساب را در دعوت‌های مجلل صاحبان زر و زور و بر سر سفره‌های رنگین بار باب نعمات می‌دهند. و در واقع یک حلقه بهم پیوسته در رأس امور اداری معارف این ولایت قدرت یافته است که علیه تمنیات اکثریت معلمان، معلمات و شاگردان، امور معارف را طوری تدوین کنند که به نفع هدف‌های ارتجاعی و به زیان مصالح و منافع عامه مردم باشد.

معلمانی که نظر این حلقه را در امور مربوط تعقیب نکنند چون توپی به دور پرتاب می‌شوند. میرمن صدیقه معلمه بنوونځی ابتدائی دختران (فاطمه بلخی) یکی از قربانیان همین دسایس است. برای وی ساختند که راپور نامطلوبی در مورد مشارالیها از استخبارات رسیده است! اگر چنان راپوری هم رسیده باشد باید بیگمان حکم کرد که ممکن همچو راپوری را هم در مورد وی همان‌ها داده باشند؛ زیرا بدبختانه جاسوسی هم یکی از حکمت‌های قدرت گرفتن در جوامع عقب مانده است؛ اما جان موضوع درین است که چگونه می‌توان به اساس یک راپور استخباراتی، مانند حکم محکمه استناد کرد و آن را مدار حل‌وفصل قضایا قرارداد؟ چنین است منطق مستبدان وطنی!

بسیاری از استادان باوجدان را که تن به تملق آنان نداده‌اند به همچو بهانه و اسناد پوچ و میان تهی (پشت نخود سیاه) روان کردند.

از پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان آرزو می‌کنیم تا صدای مردم وطن‌پرست این ولایت را بالا کنند و اعتراض شدید ما را به خاطر افشا کردن اختناق و خود سری معرف ولایت بلخ به گردانندگان گردونهٔ مبازات کنونی برسانند.»

دزدان چراغ بدست

بناغلی «ع. ا.» نوشته‌اند:

«رادیو افغانستان با استناد اظهارات رئیس گمرکات وزارت مالیه بروز ۱۷ دلو خبری را نشر کرد که (۱۵۰۰) عراده موتر هنوز بدون تأدیه محصولات در افغانستان موجود است. باوجودی که دولت آماده شده است محصول این عرادهها را به اقساط از مالکان آن تحصیل کند، ولی مع‌الوصف یک تعداد قلیل مالکان این موترها یک قسط را تأدیه کرده و یک عده هم جدیداً فورمه گرفته ولی به پرداخت محصول حاضر نشده‌اند وعده کثیرشان اصلاً تاکنون به وزارت مالیه مراجعه نکرده‌اند.

برای اینکه اندازه این باقیات فهمیده شود، چنین می‌اندیشیم که اگر محصول گمرک، حق‌الانحصار و مصارف ترافیکی فی عراده حد متوسط بالغ به چهل هزار افغانی شود، باقیات مجموعی دولت ازین مدرک بالغ به شصت ملیون افغانی خواهد شد.

باید آقایان موتر داران به خاطر بسپارند، در کشوری که دهقانان بی‌بضاعت آن حتی از خوراکه اولاد خود چندین نوع مالیه می‌دهند، شرم آوراست که موتر سواران حتی از اسباب تفاخر و تجمل خود محصول ندهند.

مایه تعجب این است درحالی‌که دستگاه دولت در مورد تحصیل مالیات و محصول از طبقات مولد خاصتاً دهقانان هیچ فروگذاشتی روا نمی‌دارد. در برابر این دزدان چراغ بدست و تعلیم یافته چرا اغماض می‌کند.

همین‌که زمان کوتاهی از موعد معین مالیه زمین می‌گذرد محصلان، پولیسان و ژاندارم حکومت در قریه‌ها پراگنده می‌شوند، علاوه بر رویه خشن واحد (محصلی) و (مرغ یرغه) ، انواع مالیات ارضی رااز دسترنج، قلیل ایشان تحصیل می‌کنند و درین باره هیچ‌گونه اعتنائی به معذرت‌ها، ناتوانی‌ها و شکایات قانونی دهقانان نمی‌شود؛ یعنی دولت می‌تواند از توده‌های وسیع دهقانان باوجود ناتوانایی ایشان مالیات خود را تحصیل کند ولی از عده‌ای معدود یخن سپیدان صاحب امتیاز قادر نیست حقوق خود را تحصیل نماید.

بهمان اندازه که دولت و اداره در تحصیل از طبقه دهقان کم زمین بی‌عاطفه و دلیر است، به‌تناسب معکوس آن در برابر طبقات بالائی جامعه که خود نماینده آن می‌باشد باعاطفه و محجوب است، به همین سبب در مورد ایشان شیوه مهربانی را در پیش می‌گیرد و به استرحام و گله گذاری اکتفا می‌کند.

به عقیده من اگر دولت نظر به خصلت طبقاتی خود حامی موتر سواران نباشد، باید اینان را که از مالیات دولت گریخته‌اند و حقوق ملت را دزدیده‌اند به حیث مجرمین تعقیب گرفتار و مجازات کند و نام‌ها و هویت‌های ایشان را برای عبرت آن دیگرانی که در آستانه همچو اختلاس‌ها قرار گرفته‌اند در جراید نشر کند.»

متعلمات بنوونځی متوسطه نسوان خان آباد از رستوران جوار مکتب شکایت دارند و خطر سقوط تعمیر مکتب را پیش بینی می‌کنند

یک عده از متعلمات متوسط نسوان خان‌آباد بما نوشته‌اند:

«ما چندین بار با مقامات صلاحیت دار، از وضع تعمیر فرتوت و کهنه مکتب شکایت کردیم، ولی کسی به عرض ما گوش نداد.

باید متذکر شد که اتاق‌های این مکتب خطر انهدام و فروافتادن را در پیشرو داشته و امکان دارد قربانی به جامعه تقدیم کند.

گرچه ما فکر نمی‌کنیم که این یادداشت بتواند اولیای امور را متوجه مسؤولیت شان بسازد، ولی صرف به خاطر اینکه مردم بدانند که این مقامات تا کجا به حیات و مسایل حیاتی مردم علاقه دارند، این کاغذ را نوشتم.

موضوع دوم قابل تذکار این است که یکی از متنفذین محلی در پیرامون بنوونځی مایک رستورانت به وجود آورده و این رستوران، اکنون پایگاه یک عده عناصر لاوبالی گردیده است. این گروه اکثر باعث مزاحمت متعلمات و مصدر حرکات ناشایسته و خلاف اخلاق می‌شوند.»

غفوری اسم فامیلی ماست

و چهل سال قدامت دارد!

در شماره ۴۷ مورخ ۲۱ دلو ۱۳۴۷ «پرچم» ضمن مقاله پیرامون منبع (!) نشر آثار ازبکی و ترکمنی فدرپای یکی از استعلامیه‌ها امضایی بنام شاغلی انجنیر عبدالقادر غفوری دیده شد.

از جریده محترم پرچم تقاضا می‌کنیم تا سطور زیر را به عرض آگاهی شاغلی انجنیر عبدالقادر «غفوری» نشر کند.

«غفوری» تخلص فامیلی خاندان ماست و تحت همین تخلص آثار منظوم برادر بزرگم عبدالصبور «غفوری» از مدت چهل سال به این‌طرف در مطبوعات کشور منعکس شده است، این‌جانب نیز به همین تخلص آثار منثور و منظوم در مطبوعات وطن نوشته‌ام.

ازین رو از جناب محترم انجنیر عبدالقادر خواهش می‌کنم تا مطابق با تعامل مطبوعات کشور از تخلص «غفوری» که سبب التباس بین ما و ایشان می‌شود منصرف شوند و به اعتبار سابقه و شهرت به همین تخلص آن را برای ما بگذارند. با احترام

عبدالرحیم «غفوری» و فامیل «غفوری .»

از (ص ۱)

مملکت ما یک کشور ...

نیت هم باشد) جز حرف مفهوم دیگری نخواهد داشت.

اگر واقع طوری که بناغلی صدراعظم می‌گوید شرایط و ایجابات زمان جیزهای نو را اقتضا می‌کند، آیا امکان دارد که چیزهای نو را با شیوه‌های کهن بدست آورد؟ آیا بدون آوردن یک تحول بنیادی امکانات همگام شد ن با شرایط و ایجابات زمان معاصر وجود دارد؟ ابداً. با وسایل، شیوه‌ها و اندیشه‌های کهن قرون وسطایی ممکن نیست به ایجابات و شرایط زمان جدید جواب مثبت تهیه کرد.

از (ص ۴)

از کنفرانس صلح پاریس ...

در مناطق مختلف، منازل مردم بی‌دفاع ویتنام جنوبی را بمباران کردند.

امریکاییان باوجود اعلان آتش بس به مناسبت آغاز سال نو ویتنامی (۳۰) بار از مقررات آتش بس تخلف ورزیدند. طیارت (ب ۵۲) امریکا منطقه آزاد شده را بمباران نمودند و در چندین برخورد که بین عسکر امریکایی و پارتیزان‌ها رخ داد (۲۰۰) عسکر امریکایی کشته شد.

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

د یوه گنی بیه: ۲/۵ افغانی

(مطبعه دولتی)

تایپ متن: میر کامور و زکریا. ویرایش جدید: عمر فیض

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۵ حوت ۱۳۴۷

دوکتور اناهیتا

امپراتوری

استعماری پرتگال در آستانه زوال

پرتگال یگانه کشور اروپایی است که در شرایط فعلی بزرگترین امپراتوری استعماری را در افریقا دارد. کشور کوچک و عقب مانده پرتگال برای حفظ این امپراتوری خود که در حدود ۸۰۲۲۹۹ میل مربع مساحت و پانزده ملیون نفوس دارد، بیش از نصف بودجه خود را به مصرف می‌رساند.

وسیعترین مستعمره پرتگال موزنبیق در شرق افریقا و بعد از آن انگولا و گینی پرتگالی در غرب واقع است و کوچکترین آن سانتوم و پرنسیپ است که در خلیج گینی واقع می‌باشد.

امپراتوری استعماری پرتگال از نظر ذخایر طبیعی بسیار غنی است.

ذخایر سرشار نفتی، معادن آهن، مس، یورانیم، الماس، طلا و نقره و تولیدات زراعتی و مواشی و غیره آن، همیشه مطمح نظر غارتگران امپریالیست بوده و همین موضوع است که پای نیروهای دیگر امپریالیستی را دز پرابلم مستعمراتی پرتگال می‌کشاند. شرکت‌های انحصاری امریکا انحصار استخراج نفت انگولا را دارند و انتظار می‌رود. در ۱۹۷۰- استخراج نفت انگولا به هفت ونیم ملیون تن بالغ گردد.

انحصارات آلمان غرب در استخراج معادن آهن انگولا سرمایه گذاری نموده‌اند. جاپان استخراج معدن آهن موزنبیق را به عهده گرفته و بدین منظور به‌طور مقدماتی مبلغ پنجاه ملیون دالر برای سرمایه گذاری تخصیص داده است.

حکومت استعمار گر پرتگال برای "اداره" این امپراتوری بزرگ و غنی استعماری خود و سرکوبی جنبش آزادی‌بخش ملی مستعمرات (۱۶۰۰۰۰) عسکر مسلح و مجهز به عصری‌ترین سلاح ناتو را در افریقا متمرکز ساخته است. ولی موج روز افزون جنبش ضد استعماری آزادی‌بخش ملی و مبارزات مسلحانه آزادیخواهان در انگولا، موزنبیق و گینی پرتگالی استعمار گران پرتگال را در وضع بحرانی‌ای قرار داده است و هر روز به پیروزی‌های امید بخشی نایل می‌گردد. اکنون قسمت وسیعی از انگولا و موزنبیق و تقریباً نصف گینی پرتگالی در تصرف آزادی خواهان می‌باشد.

باوجود آنکه حکومت پرتگال در مبارزه علیه آزادیخواهان مستعمرات خویش از پشتیبانی همه جانبه نظامی، سیاسی و اقتصادی امریکا و دیگر کشورهای مربوط به پیمان اتلانتیک شمالی بدست می‌آورد، علیه جنبش آزادیخواهی ملی افریقا می‌جنگد و وصف تشدد وحشیانه و غیرانسانی که در برابر آزادیخواهان روا می‌دارد، نتوانسته است جلو پیروزی‌های مزید آزادیخواهان و وطنپرستان را بگیرد.

بنا بر همین علت است که اکنون از یکطرف پرابلم مستعمراتی خود را شکل بین‌المللی بدهد و پای متحدین و همدستان پیمان اتلانتیک خود را مستقیماً در جنگ‌های مستعمراتی خویش علیه آزادیخواهان بکشاند، مسؤولیت بیشتر و مصارف زیادتر این جنگ ظالمانه را بدوش این دوستان خود بیندازد و ناتو حفاظت مستقیم امپراتوری استعماری پرتگال را به عهده بگیرد. چنانچه البرتو فرانکو نو گییرادر همین نزدیکی‌ها بصراحت اظهار داشت که " ما رسماً تقاضا می‌نماییم که منطقه دفاعی ناتو به ایالات مستعمره پرتگالی انگولا و گینی وسعت داده شود، تا شمال و جنوب پیمان اتلانتیک توسط یک رشته قابل اعتماد باهم وصل گردد."

از جانب دیگر حکومت استعمارگر پرتگال برای تلافی شکست خود در میدان نبرد گرم، شیوه جنایتکارانه ترور رهبران جنبش آزادی بخش ملی مستعمرات را در پیش گرفته و شبکه‌های وسیعی از خفیه پولیس را به نام (پی.آی.دی. آی) در مستعمرات بکار انداخته است که پیوسته در جستجو و ترور رهبران می‌باشند.

قتل جایمی سیگاکی رهبر جبهه آزادی بخش در لوساکا (زامبیا) ماتیوس، موزنبیق در دارالسلام می‌باشد که به تاریخ ۳ فبروری ۱۹۶۹ ذریعه یک بم ساعت دار که در محل بود و باش وی گذاشته شده بود، به قتل رسید.

خطر دیگری که جنبش آزادی بخش ملی افریقا را تهدید می‌کند، اتحاد مخفی ولی فعال امپریالیزم آلمان غرب با استعمار پرتگال می‌باشد که سفر اخیر کورت کیسنکر مبین آن است. امپریالیزم آلمان با امتیازاتی که همین اکنون در پرتگال بدست آورده سعی می‌ورزد به حیث رقیب امریکا دست آزادتر و نیرومندتری در مستعمرات پرتگال داشته باشد.

مداخله المان غرب در امور افریقا، به‌خصوص مستعمرات پرتگال، اتحاد نامیمونی از استعمار نو و کهنه را در قلع‌وقمع جنبش آزادی خواهی ملی افریقا نشان می‌دهد.

ولی یقین کامل داریم که جنبش آزادی بخش ملی مستعمرات پرتگال علی رغم موانع بزرگی که در سر راه آن وجود دارد، مانند هر جنبش ضد استعماری دیگر سر انجام به پیروزی نایل می‌گردد.

این حکم تاریخ است! آزادیخواهان اراده کرده‌اند تا سرزمین‌های شان را از وجود استعمار گران پاک کنند. آن‌ها آماده‌اند آزادی‌شان را به هر وسیله و هر شکلی که ممکن باشد، به دست آورند. امیلکار کابرال سکرتر جنرال حزب استقلال افریقا در این نزدیکی‌ها طی مصاحبه مطبوعاتی در استکهلم اظهار داشت که هر گاه رهبران جدید پرتگال از سیاست واقع‌بینانه کار گیرند، حزب او آماده است حصول استقلال را از طریق مذاکره موضوع بحث قرار دهد. در غیر آن تا آن‌وقت جنگ را ادامه خواهیم داد که آخرین فرد استعمارگر پرتگالی در بحر انداخته شود.

مبارزان انگولا، موزنبیق و گینی پرتگالی در مبارزه‌شان بر ضد استعمار تنها نیستند.

جنبش رهایی بخش ملی کشورهای مستعمره پرتگالی یکجا با جنبش بین‌المللی طبقه کارگر و جنبش جهانی سوسیالیستی در یک جریان عظیم و واحد نیرومند، استعمار و استعمارگران پرتگالی را به زباله دان تاریخ خواهد سپرد و با سر بلندی به دوره آزادی و استقلال، رفاه و خوشبختی پا خواهد گذاشت.

د لشکرګاه د لیسی

زده کونکو مظاهره وکړه

ددلوی په (۱۹) نیټه سهار په (۸۱۵) بجو لشکرګاه دلیسی زده کونکو په اعتصاب لاس پوری کړل.

د دوی اعتصاب څلورو ورځی اوږد دشوارو څلور می ورځی په (۸۱۵) بجو یی یو فیصله لیک صادر وکړ او په هغه کی یی د لیسی اداری ته خبرداری ورکړ چه که چیری نن ترلسو بجو پوری زمونږ قانونی او صنفی غوشتن ته مثبت ځواب ونه ویل شی، مونږ په خپل اعتصاب په مظاهره بدل کړو او پښار کی په وګرزو. کله چه زده کونکو ته تر ټاکلی وخت پوری ځواب ورکړی شو؛ دوی لاس په مظاهره پوری کړ. دا مظاهره د دلو (۵/۱۱) بجو پوری دوام درلود او بیا زده کونکو د غښتنو د منل کیدو په اثر پای ته ورسیده.

په دی مظاهره کی د متعلیمینو او معلمانو له خواه جدایی وینا وی وشوی.

د زدکونکو د غوښتنو مهم ټکی داوو: نالایقه معلمان دی بدل شی. او پسیکوران لخ لیسی وایستل.

د جنرال ایوب د کتاتوری

د ماتی په درشل کی

د پاکستان یوسلو شل ملیونه وګړی د ایوبخان د فردی دکتاتوری د رژیم دردونه ګالی.

که څه هم ایوب خان د پښتونستان او پاکستان د خلکو دیر له پسی او قهرمانانه مبارزو د فشار په اثر پر شاتګ ته مجبور شو. اضطراری قوانین یی لغو کړل خو سره له دی به ختیځ او لویدیځ پاکستان کی ناکراری ورځ تر ورځ شدت مومی.

مترقی عناصر عقیده سرګندوی چه ایوب خان یوازی یوه لار لری او هغه دا ده چه د پاکستان له جمهوری ریاست نه استعفا وکړی. هغوی وایی خلک حق لری کوم حکومت چه غواری ویی تاکی، خلک شعار ورکوی د ایوبخان رژیم یو غیر خقلی رژیم دی، باید له منځه لار شی.

د شرقی او غربی پاکستان په مختلفو بښارونو کښی د ایوبخان دیکتاتوری رژیم پر ضد د خلکو مظاهری لا پرتخیا او شدت مومی. د لویدیځ پاکستان به یوه بښارکی (۱۵) زرو تنو په یوه مظاهره کی ګډون وکړ.

د پولیسو او مظاهره کونکو ترمینځ د متعددو مظاهر و په ترڅ کی د اخو دب په اثر تر اوسه پوری (د دلوی ۳۰ نیټه) ۴۸ کسانو مړه شوی او یو زیات شمیر ټپیان شویدی.

عید

صدای قهقه هستی،
نوای گرم موسیقی،
وبزمی، دلفزا، لبریز ازشادی
ورعنادختران چهره شان شاداب
همه پیمانه هادردست،
همه مدهوش ازمستی،
همه سرمست از هستی،
پای می کوبند ومی رقصند ومی خندند.
وبزم شان چه رنگین است ازشادی
وجام هستی پررنگ شان، لبریز ازمستی
تعارفها، خوش آمدها، مبرکها.
و این بزم پرازشادی،
هماناعید «آنان»؛
عید «آنانی:»
که هریک لحظه هستی شان رنگین تراز عید است.
و درین بزم پر شادی
پای می کوبند ومی رقصند ومی خندند.
ولی ای همنبرد من؛
تو خوددانی، که درپهلوی این شادی
ماتمی هم هست، ماتما لبریز ازاندوه،
و این مکاتم همانا، «عید» اینمان است،
«اینانی» که خودشان،
طرب افزاری رنگین بزم آنانست.
«عید» صدها مادر پراشک،
که حسرت ناک چیز نو،
بهر کودک شیرین شان،
خاموش، می گیرند ومی گیرند. **(کاویان)**

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

برگزاری پنجاه و یکمین سال تأسیس اردوی شوروی

آژانس خبررسانی نوویستی اطلاع داد که: «اتحاد شوروی به تاریخ ۱۲ فبوری (مطابق ۴ حوت) و روز اردوی بری و بحری اتحاد شوروی را تجلیل نمود.

در سال ۱۹۱۸ در همین روز بود که اردوی سرخ جدیدالتشکیل شوروی جلو پیشرفت قوای ویلهلم دوم قیصر آلمان را گرفت. قوای آلمان علی الرغم پیشنهاد صلح از طرف دولت جوان شوروی، می‌خواست مراکز عمده روسیه را اشغال و جمهوری جوان سوسیالیستی را منکوب نماید.

اردوی بری و بحری اتحاد شوروی از جنگ داخلی (۱۹۲۲-۱۹۱۸) پیروزمند بیرون شد. قوای مسلح اتحاد شوروی در جنگ عمومی دوم (۱۹۴۵-۱۹۴۱) اردوهای آلمان هتلری را شکست داد و خلق‌های کشورهای اروپایی را از اسارت فاشیزم آزاد کرد.

اردوهای شوروی در شکستاندن نیروی مقاومت امپریالیزم جاپان که خلق‌های آسیا را تحت اسارت درآورده بود سهم قابل ملاحظه‌یی داشت.

امروز اردوی شوروی با عصرترین سلاح‌ها مسلح می‌باشد و با نیروی راکتی خود قادر است تا عمق جبهه دشمن ضربه خورد کننده‌یی وارد کند.»

معاون وزارت دفاع اتحاد شوروی به مناسبت پنجاه و یکمین سال تأسیس قوای شوروی اظهار داشت که:

«قوای شوروی آماده است هر نوع تجاوز را دفع نماید. وی تجاوز امپریالیزم را در شرق میانه و جنوب و شرق آسیا تقبیح نموده و تحریکات جدید آلمان غربی را در اروپا نکوهش کرد و عواقب آن را وخیم خواند.

وی اظهار امیدواری کرد که نیروهای صلح پسند جلو خود سری‌ها را خواهد گرفت.

آژانس خبررسانی نوویستی می‌گوید: سهم قطعات انجنیری در اردوی بری و بحری شوروی به‌تناسب سال اخیر جنگ دوم بیش از سه برابر شده است.

۹۰ فیصد افراد سالیانه اردوی بری و بحری شوروی تعلیمات عالی و یا ثانوی دارند و بیش از ۷۰ فیصد دارای تخصص تخنیکی می‌باشند.

قوای مسلح شوروی با هوشیاری از منافع سوسیالیزم و جامعه سوسیالیستی و تمام ملل صلح‌دوست حراست می‌نماید.»

انگلستان به دشمنان عرب سلاح می‌دهد

در هفته گذشته اوضاع در سرزمین‌های عربی تحت اشغال اسرائیل بیش‌ازپیش متشنج گردید. در سازمان ملل متحد اوراقی مبنی بروجشی گری اسرائیل پخش شد. درین اوراق گفته می‌شود: چندی قبل دژخیمان اسرائیلی ضمن یکی از مظاهرات (۹۳) نفر عرب را شدیداً مجروح ساختند و به طرز وحشیانه‌یی (۱۴) نفر را زنده به گور کردند.

همچنان در اثر گلوله باری که در (گیخان) بر مظاهره چیان عربی صورت گرفت (۱۹) تن به شمول یک دوشیزه جوان عربی به قتل رسید.

گفته شده که چندین تانک و توپ و عده‌یی از وسایل جنگی اسرائیل توسط اعضای موسسه الفتح از بین برده شده است. آنچه بیشتر محافل حاکمه اسرائیل و حامیان امپریالیستی‌شان را نگران ساخت، حمله یک عده از مبارزین عربی بر یکی از طیارات سرویس هوائی اسرائیل در میدان هوائی زوریخ بود.

موشی دایان وزیر جنگ اسرائیل گزارشی به کابینهٔ اسرائیل تقدیم کرد. گرچه متن این گزارش افشا نشد، معهذا گفته می‌شود که اسرائیل از تشدید فعالیت قهرمانانه مبارزان عربی در برابر تجاوزات اسرائیلی و مقاومت شجاعانه و مبارزات دلیرانه مردمان مناطق تحت اشغال و تمرکز قوای جمهوریت عربی متحد در سرحدات بین اسرائیل و جمهوریت متحد بسیار نگران است.

روزنامه الجمهوریت نوشت: ارسال اسلحه انگلستان به اسرائیل دشمنی با مردمان عرب است. انگلستان به کف دشمن اعراب سلاح می‌گذارد تا عرب‌ها را نابود سازد.

مظاهرات و اعتصابات

انقره:

باآنکه کشتی‌های جنگی امریکا بنادر ترکیه را ترک دادند، در انقره، ازمیر، استانبول، ادنه و غیره مظاهرات شدیدی علیه امریکا صورت گرفت. در ازمیر (۲) نفر کشته، (۶۰) نفر زخمی و (۵۰) نفر زندانی گردید. شدت مظاهرات حکومت ترکیه را وادار ساخت حکومت نظامی اعلان کند. روزنامه (جمهوریت) چاپ ترکیه نوشت: لنگر انداختن کشتی‌های جنگی امریکا در بنادر ترکیه باعث انزجار مردم گردید. باید به خواست مکرر مردم مبنی بر محدود ساختن فعالیت‌های امریکاییان توجه شود. باید ساحه فعالیت مؤسسات تبلیغاتی امریکا در ترکیه محدود گردد. روزنامه می‌افزاید: در جریان مظاهرات مکرراً مشاهده شد که مردم، امریکا را دشمن شماره یک خود می‌دانند.

پاریس:

در سراسر فرانسه اعتصابی بنام (روز ملی فعالیت) صورت گرفت. این اعتصاب در حقیقت مثل قدرت و قاطعیت طبقه کارگر فرانسه بود. سندیکای عمومی کار فرانسه سردسته این مبارزه بود. در همین روزها اعتصاب کوتاه مدت، میتینگ‌ها و مظاهرات صورت گرفت. درین مظاهرات وحدت عمل و مبارزه مشترک عنوان اساسی مبارزه بود.

در امریکا:

- محصلان یکی از پوهنتون های ایالات متحده امریکا دست مظاهره زدند. تظاهر کنندگان شعار می‌دادند: جنگ ویتنام یک جنگ جنایت کارانه است! تبعیض نژادی در قرن (۲۰) محکوم است! باید در پوهنتون ریفورم درسی به وجود آید. همچنان دریک مظاهره بزرگ دیگر علیه جنگ ویتنام چندین هزار نفر از سربازان امریکایی شرکت کردند.

- پنجاه هزار کارگر بنادر امریکا به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. خسارات وارده ازین ناحیه به بیشتر از ملیون‌ها دالر رسیده است.

- محصلان بلیوی (امریکای جنوبی) علیه ایالات متحده امریکا به تظاهرات شدیدی دست زدند. مظاهره‌چیان از حکومت تقاضا کردند تا سفیر امریکا را از بلیوی خارج سازد.

از کنفرانس صلح پاریس تا میدان‌های جنگ ویتنام

مذاکرات چندجانبه صلح پاریس به روز اول حوت در پایتخت فرانسه آغاز شد. جانب امریکا و رژیم سایگون به شیوهٔ همیشه‌گی وقت کنفرانس را با طرح موضوع ایجاد منطقهٔ آزاد و غیره به هدر بردند. در حالی که جبهه آزادی‌بخش ملی ویتنام جنوبی و نماینده‌گان جمهوریت دموکراتیک ویتنام قطع تجاوز، خروج نیروهای بیگانه و تشکیل کابینه صلح را که بتواند کنفرانس پاریس را به نتایج مثبت نهایی برساند، تقاضا کردند.

در عین حال روز قبل از آغاز کنفرانس امریکایی‌ها به قول اشویتدپرس سه بار بیشتر از روزهای گذشته، به بهانه این که مواضع پارتیزان‌ها را کشف کرده‌اند،

(ص ۳)

میرکامران نکریا - افغانستان آنلاین
این نشریه در برزه با زمین نگذاشته شد